



بسم الله الرحمن الرحيم

بحثمان در احکام قضای صوم رمضان بود، امروز می خواهیم اقوال علماء در این مسئله را بیان کنیم ابتدا می رویم سراغ علامه، کتاب منتهی و تذکره علامه فقه مقارن است زیرا هم فتاوی علمای شیعه را دارد و هم فتاوی علماء عامه را و دلیل هر دو را نیز ذکر می کند و بعد مزیت ادله ی ما بر ادله ی عامه را نقل می کند البته مبتکر این کار سید مرتضی در انتصار و شیخ طوسی در خلاف است همچنین قبل از علامه محقق در معتبر هم همین کار را ارائه کرده است.

علامه در منتهی جلد ۹ ص ۳۱۰ به بعد می فرماید: «و یتعیّن قضاء الفاتئ فی السنة التي فات فيها ما بينه وبين رمضان الآتی، فلا يجوز له الإخلال بقضائه حتى يدخل الثاني؛ لأنه مأمور بالقضاء و جواز التأخير القدر المذكور معلوم من السنة فینتفی ما زاد، فلو أحرّ القضاء بعد برئه توانیا حتی حضر رمضان الثاني صام الحاضر و قضی الأوّل بالإجماع و کفر عن کلّ یوم من الفاتئ بمدّین و أقلّه بمدّ قاله الشیخ رحمه الله و المفید رضی الله عنه و به قال الشافعی و مالک و الثوری و أحمد و إسحاق، و الأوزاعی، و هو قول ابن عباس و ابن عمر، و أبی هريرة، و مجاهد، و سعید بن جبیر و قال ابن إدريس منّا: لا كفارة عليه و به قال أبو حنيفة و الحسن، و النخعی». بعد ایشان روایات را نقل می کند و ثابت می کند که حق با شیعه است.

و اما در شرایع محقق می خوانیم که: «و إن استمر به المرض إلى رمضان آخر سقط عنه قضاؤه على الأظهر و كفر عن كل يوم من السالف بمد من الطعام و إن برئ بينهما و أخره عازما على القضاء قضاء و لا كفارة و إن تركه تهاونا قضاء و كفر عن كل يوم من السالف بمد من طعام». صاحب عروة هم همین مطلب را ذکر می کند و ما روایات آن را خواندیم و گفتیم حدیث ۱ و ۲ و ۶ از باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان دلالت دارند که اگر کسی از یک رمضان تا رمضان بعد قضا را به جا نیاورد هم باید قضا به جا

آورد و هم باید کفاره بدهد. بعد یک خبر با این حکم معارض بود یعنی خبر ۷ از باب ۲۵ ولی این خبر هم مرسل بود و هم کسی به آن عمل نکرده بود.

خوب حالا این مسئله پیدا می شود که آیا این کفاره مطلقاً مربوط به کسی است که تا رمضان بعد روزه نگرفته و یا اینکه مختص به کسی است که می توانسته روزه بگیرد ولی تهاون و سستی کرده و نگرفته؟ اخبار ۲ و ۵ و ۱۰ از باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان اقتضا می کند که قضا و فداء مطلقاً وجود دارد.

خبر ۲ از باب ۲۵ این خبر است: «عنه (کلینی عن علی بن ابراهیم) عن أبيه و عن مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (النبشاپوری که استاد کلینی است) عن الفضل بن شاذان جميعاً عن ابن أبي عمير عن جميل عن زرارة عن أبي جعفر (ع) في الرجل يمرض فيدرُّه شهر رمضان و يخرج عنه و هو مريض و لا يصح حتى يدرُّه شهر رمضان آخر قال يتصدق عن الأوّل و يصوم الثاني فإن كان صح فيما بينهما و لم يصم حتى أدركه شهر رمضان آخر صامهما جميعاً و تصدق عن الأوّل». همانطور که می بینید در این حدیث گفته شده که مطلقاً تاخیر تا سال بعد موجب قضا و کفاره است و دیگر تفصیل داده نشده است که فرد سستی کرده است یا نه.

خبر ۵ از باب ۲۵ این خبر است: «عن عثمان بن عيسى عن سماعة قال سألتُه عن رجل أدركه رمضان و عليه رمضان قبل ذلك لم يصمه فقال يتصدق بدل كل يوم من الرَّمْضَانَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ بِمَدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ لِيَصُمْ هَذَا الَّذِي أَدْرَكَ فَإِذَا أَفْطَرَ فَلْيَصُمْ رَمَضَانَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ...».

خبر ۱۰ از باب ۲۵ این خبر است: «عن علي بن جعفر عن أخيه قال سألتُه عن رجل مريض في شهر رمضان فلم يزل مريضاً حتى أدركه شهر رمضان آخر فبرأ فيه كيف يصنع قال يصوم الذي يبرأ فيه و يتصدق عن الأوّل كل يوم بمدٍّ من طعام...». در این روایت صحبت از قضا نیست ولی کفاره ذکر شده است، به هر حال در این سه خبر گفته شده که اگر کسی قضا را انجام نداد و رمضان بعدی آمد باید از هر روز کفاره دهد.

خوب و اما روایاتی که مطلق نیستند و دلالت دارند بر اینکه فديه در جایی است که فرد در بین سستی کرده باشد یکی خبر ۱ از باب

إِلَّا فَلْيَتَرَبَّصْ إِلَى رَمَضَانَ قَابِلٌ فَيَقْضِيَهُ فَإِنْ لَمْ يَصِحَّ حَتَّى رَمَضَانَ قَابِلٌ فَلْيَتَصَدَّقْ كَمَا تَصَدَّقُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرُ مُدًّا مُدًّا فَإِنْ صَحَّ فِيمَا بَيْنَ الرَّمَضَانَيْنِ فَتَوَانَى أَنْ يَقْضِيَهُ حَتَّى جَاءَ الرَّمَضَانُ الْآخِرُ فَإِنَّ عَلَيْهِ الصَّوْمَ وَ الصَّدَقَةَ جَمِيعاً يَقْضِي الصَّوْمَ وَيَتَصَدَّقُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ ضَعِيعٌ ذَلِكَ الصِّيَامُ ». عیاشی از علماء بزرگ قرن چهارم است ولی چون در ذکر اخبار واسطه ها را حذف کرده است روایات او بی سند و مرسل شده اند . صاحب عروة این روایات را مقید برای مطلقات قرار داده است و قائل شده است که کفاره در صورتی است که فرد خوب شده باشد و تا رمضان بعد توانی و تهاون کرده باشد ولی اگر توانی نکرده باشد فقط قضا به گردن اوست نه کفاره .

شرح عروة (شرح آیه الله خوئی، مهذب الاحکام، مستمسک و مصباح الهدی) قائل شده اند که مطلقاً باید کفاره داد و این روایات را توجیه کرده اند و گفته اند که توانی و تهاون به معنای تأخیر است نه سستی در انجام تکلیف و صاحب جواهر نیز در جلد ۱۷ ص ۴۱۰ به همین قائل است ولی شرایع و منتهی هر دو قائلند که از باب حمل مطلق بر مقید می باشد .

مطلب دیگر این است که ابن ادریس قائل است که در صورت تهاون و توانی کفاره واجب نیست و فقط باید قضا بگیرد و اخبار دال بر کفاره را رد کرده است بعد می فرماید ؛ دو نفر قائل به وجوب کفاره شده اند شیخ مفید و شیخ طوسی و ما بقی همه مقلد این دو بزرگوار هستند ، علامه در منتهی و دیگران به ابن ادریس اشکال کرده اند که شما به اصل برائت تمسک کرده اید و اجرای اصل در جایی است که دسترسی به روایات نباشد و حال آنکه در ما نحن فیه چندین روایت بر این امر دلالت دارد . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُمَا عَنْ رَجُلٍ مَرِضٍ فَلَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانُ آخِرٌ فَقَالَ إِنْ كَانَ بَرَأَ ثُمَّ تَوَانَى قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهُ الرَّمَضَانُ الْآخِرُ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ عَلَى مِسْكِينٍ وَ عَلَيْهِ قِضَاؤُهُ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَزَلْ مَرِيضاً حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانُ آخِرٌ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنْ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ مُدًّا عَلَى مِسْكِينٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِضَاؤُهُ » .

خبر بعدی خبر ۶ از باب ۲۵ می باشد ، خبر این است : « عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِذَا مَرِضَ الرَّجُلُ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ ثُمَّ صَحَّ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ لِكُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ وَ هُوَ مُدٌّ لِكُلِّ مِسْكِينٍ قَالَ وَ كَذَلِكَ أَيْضاً فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَ كَفَّارَةِ الظَّهَارِ مُدًّا مُدًّا وَ إِنْ صَحَّ فِيمَا بَيْنَ الرَّمَضَانَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ أَنْ يَقْضِيَ الصِّيَامَ فَإِنْ تَهَاوَنَ بِهِ وَ قَدْ صَحَّ فَعَلَيْهِ الصَّدَقَةُ وَ الصِّيَامُ جَمِيعاً لِكُلِّ يَوْمٍ مُدًّا إِذَا فَرَّغَ مِنْ ذَلِكَ الرَّمَضَانَ » . در این حدیث لفظ (تهاون) ذکر شده است و در حدیث قبل لفظ (توانی) آمده بود ، توانی به معنای سستی کردن است و تهاون به معنای سبک شمردن و بی اعتنا بودن می باشد .

خبر بعدی خبر ۸ از باب ۲۵ می باشد ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ وَ فِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفُضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرُّضَا (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ... وَ إِذَا وَجِبَ عَلَيْهِ الْفِدْيَةُ سَقَطَ الصَّوْمُ وَ الصَّوْمُ سَاقِطٌ وَ الْفِدْيَةُ لَازِمٌ فَإِنْ أَفَاقَ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يَصُمْ وَ وَجِبَ عَلَيْهِ الْفِدْيَةُ لِتَضْيِيعِهِ (زیرا می توانست روزه را به جا آورد ولی آن تکلیف را ضایع کرد و به جا نیاورد) وَ الصَّوْمُ لَاسْتِطَاعَتِهِ » . آیه الله خوبی قائل بودند که سند این روایت ضعیف است و ما قبلاً درباره آن بحث کردیم . خبر بعدی خبر ۱۱ از باب ۲۵ می باشد ، خبر

این است : « مُحَمَّدُ بْنُ مُسْعُودِ الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مَرِضٍ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ قَابِلٍ وَ لَمْ يَصِحَّ بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يُطِقِ الصَّوْمَ قَالَ يَتَصَدَّقُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرُ عَلَى مِسْكِينٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حِنْطَةً فَمُدٌّ مِنْ تَمْرٍ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَصُومَ الرَّمَضَانَ الَّذِي اسْتَقْبَلَ وَ